

باسمه تعالی

نمونه هایی از نگاشته ها در حوزه تفسیر

تربیتی

گام اول: ۱۰ اثر

به کوشش: مرتضی سلمان نژاد

۱. حماد، فاروق؛ آباء و ابناء: ملامح تربویة فی القرآن الکریم.^۱ دمشق: الدارالشامیة و بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۸/۱۹۹۷. ص ۳۵۱.

نگارنده، مطالب این کتاب را در دوازده بهره سامان داده است. در بهره نخست از ماجرای طوفان زمان نوح (ع) و فرزند نافرمان او می‌گوید و به تحلیل علت موضع‌گیری فرزند در برابر دعوت پدر می‌پردازد. بهره دوم کتاب در باب حضرت ابراهیم و ذبح اسماعیل (ع) است و در آن به بی‌فرزندی ابراهیم تا دوران پیری و ولادت اسماعیل در آن دوران اشاره می‌کند و از ماجرای زمزم و عشق ابراهیم به اسماعیل و دل‌کندن از او در راه خدا یاد می‌کند. نگارنده در بهره سوم، از آنچه میان ابراهیم و پدرش آزر رخ داد، می‌گوید، و این بار او از موضع فرزندگی نشان می‌دهد که پدرش را به خیر و صلاح می‌خواند و از ادب و آداب او در رفتار و برخورد با پدر یاد می‌کند؛ سپس، به بهره چهارم می‌رسد و در آن از یوسف (ع) و یعقوب (ع) می‌گوید، از فرزندان دوازده‌گانه یعقوب یاد می‌کند، برخی ویژگی‌های یوسف را برمی‌شمارد، با اشاره به خواب یوسف و وقایع پس از آن، از اندوه جان‌کاه یعقوب در فراق یوسف می‌گوید، از رفتارهای ناپسند پسران یعقوب و فرجام نیک یوسف و گذشت او نسبت به برادران یاد می‌کند. بهره پنجم کتاب درباره یعقوب (ع) و پسرانش است و در آن از اهمیت وصیت و محتوای وصیت یاد می‌کند و از وصیت یعقوب (ع) به پسرانش می‌گوید و برخی از قسمت‌های آن را شرح می‌دهد. ماجرای داود و سلیمان (ع) در بهره ششم کاویده می‌شود. نگارنده در این بهره از ویژگی‌های جسمی و صوتی داود و پیروزی او بر جالوت می‌گوید و یادآور می‌شود که داود نخستین زره را ساخت؛ آنگاه به بسط ید و قدرت و حکومت او اشاره می‌کند و از نعمت نسل پاک که خداوند به او عطا فرمود می‌گوید؛ سپس به فرزند داود یعنی، حضرت سلیمان می‌رسد و از ویژگی‌های فردی او یاد می‌کند، به حکومت سلیمان می‌پردازد، از عدل، فهم، علم، تدبیر، شاکری و دعوت‌گری او به سوی خداوند و نیز توجه وی به حسن عاقبت می‌گوید و از شخصیت سلیمان یاد می‌کند. در بهره هفتم، با شعیب (ع) و دختران او آشنا می‌شویم. نگارنده در اینجا، ابتدا از توجه دختران به پدر و تلاش برای رفع نیازهای او می‌گوید؛ آنگاه به آمدن موسی و ماجرای آب دادن به احشام می‌پردازد و از دعوت شعیب از موسی یاد می‌کند و به ادب و صراحت و نجابت دختر شعیب در رفتار اجتماعی اشاره می‌کند. بهره هشتم درباره زکریا و یحیی (ع) است. نگارنده در شرح این بهره، از کهولت سن بی‌فرزندی زکریا می‌گوید و به ویژگی‌های فرزند مورد نظر او درخواست‌های پی‌درپی وی از خداوند برای پدر شدن می‌پردازد، از استجاب دعا و ولادت یحیی می‌گوید، به نبوت او در کودکی اشاره می‌کند، برخی از ویژگی‌های یحیی را یادآور می‌شود و از شهادت او

^۱ پدران و فرزندان: ویژگی‌های تربیتی در قرآن کریم.

می‌گوید. لقمان حکیم در بهره نهم آمده است. نگارنده پس از اشاراتی درباره نژاد، زمان، مکان و شغل لقمان، به شرح و تفکیک موضوعی آموزش‌های او به فرزندش می‌پردازد. سپس، به مادر موسی (ع) و بهره دهم می‌رسد و از نقش زن در زندگی می‌گوید و از شخصیت منفی فرعون یاد می‌کند، به ولادت رهایی موسی از چنگ مأموران فرعون اشاره می‌کند و از زندگی در دستگاه فرعون می‌گوید. در بهره یازدهم گفتگو از عیسی (ع) و مادرش مریم است. نگارنده ابتدا از اصالت خانوادگی مریم که از آل‌عمران است می‌گوید، آنگاه به زادن مریم اشاره می‌کند و از توجه مادر به حال و روز فرزندش و تربیت نیک او می‌گوید، از عنایت خاص زکریا به مریم یاد می‌کند، عبادت‌های مریم و مائده‌های بهشتی او را یادآور می‌شود و به بارداری و در عین عذرابی او می‌پردازد و از ولادت عیسی می‌گوید.

دوازدهمین بهره این کتاب درباره رسول‌الله (ص) و رفتارش با فرزندان اوست. نگارنده برای بازشکافت این موضوع، از ولایت تربیتی رسول‌الله (ص) بشر می‌گوید و یادآور می‌شود که شخصیت رسول‌الله (ص) پرورده خداوند است؛ آنگاه از شمار فرزندان آن حضرت (ص) می‌گوید و نام آنها را می‌آورد؛ به شادی آن حضرت از ولادت فرزندان اشاره می‌کند، به رفتار سراسر تبعیض عرب جاهلی نسبت به فرزندان دختر و پسر می‌پردازد، تقبیح این کار را از زبان قرآن بازگو می‌کند، آداب نام‌گذاردن و تبریک ولادت و عقیقه درباره کودک را یادآور می‌شود، از توجه به آن حضرت (ص) به فرزندان دختر و به ویژه حضرت زهرا (س) یاد می‌کند، از خواستگاری حضرت علی (ع) از حضرت زهرا و مهریه و جهیزیه و ازدواج آن جنابان (ع) می‌گوید، به اخلاق خانوادگی حضرت زهرا (س) و علی (ع) می‌پردازد، از عنایت خاص آن حضرت (ص) به حضرت حسن و حسین (ع) اشاره می‌کند و گریه حضرت (ص) از مرگ دختران خود می‌گوید و توجه آن حضرت (ص) به تربیت خاص دخترانش را یادآور می‌شود.

۲. العک، خالد عبدالرحمن. تربية الابناء و البنات فى ضوء القرآن و السنة^۲. الطبعة الاولى: بيروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۸/۱۹۹۷. ۴۰۸ ص.

پیش‌گفتار این کتاب، اشارتی درباره مناقب و سجایای حسنین (ع) و عنایات خاص حضرت رسول اکرم (ص) به آن دو بزرگوار (ع) و نیز ویژگی‌های تربیت نبوی در خصوص آن دو جناب. نگارنده در این قسمت از کتاب، مخدرات رسول‌الله (ع) و نشانه‌هایی از اهتمام بلیغ رسول اکرم (ص) به آنها هم می‌پردازد و مشارکت دختران رسول اکرم (ص) در دشواری‌هایی که بر پدر تحمیل می‌شده است می‌گوید و از هجرت آنها و مبارزات آنان با مشرکان یاد می‌کند و از توجه ویژه رسول اکرم (ص) به فاطمه زهرا (س) می‌گوید.

نویسنده پس از پیش‌گفتار، مقدمه‌ای پرداخته است درباره حقوق جنین و حق نسب و حضانت که در آن حرمت سقط جنین و توجه اسلام به جنین پیش از ولادت اشاره می‌شود و از برخی آداب شرعی پس از ولادت کودک یاد می‌شود و از حق انتساب کودک به پدر و مادر و یا دست‌کم به مادر کودک سخن می‌رود و به ولایت و سرپرستی بر کودک صغیر و یتیم اشاره می‌شود. نگارنده در ادامه از تنظیم و زیان‌های مهار و موالید می‌گوید و از حکم نسب کودک حاصل از تلقیح مصنوعی و مراد از تلقیح مصنوعی و روش‌های مصنوعی و روش‌های تلقیح مصنوعی و حکم شرعی آنها یاد می‌کند.

در فصل اول این کتاب به تکوین شخصیت کودک و روش‌های آن اشاره می‌شود. نگارنده، از این رهگذر مراد از شخصیت اسلامی را می‌آورد، به ویژگی‌های شخصیت اسلامی کودک در قرآن با استناد به سوره لقمان اشاره می‌کند، از تکیه بر ایجاد روحیه تعاون در کودک و عادت دادن او به علاقه به کار و ایجاد جرأت ادبی در او و وقت‌شناسی بار آوردن او و نیز رازدار پروردن کودک به عنوان پاره‌ای از امور ضروری برای ایجاد شخصیت نیکو در کودک، یاد می‌کند.

نکته بعدی این فصل، روش‌های رفتار والدین با فرزندان به اعتبارات گوناگون و مراحل مختلف رشد کودک است و در آن ابتدا به رفتار والدین با فرزندان به این اعتبار که بچه‌اند و عالم بچگی دارند اشاره می‌شود (بازی کودک، ایجاد زمینه برای بازی‌هایی گروهی، بردن کودک به مسجد، مهربانی با کودک، آسان‌گیری و مدارا با کودک)؛ پس از این، از نوع رفتار پسندیده والدین با فرزندان به این عنوان که فرزند پدر و مادرند یاد می‌شود (رفتار براساس محبت و مهر، برتری ندادن پسران بر دختران، توجه بیشتر مادر به دختر نسبت به پسر و ناپسندی آن، مساوات در محبت به فرزندان و مساوات در هدیه دادن به آنها)؛ نگارنده پس از این به رفتار پدر مادر با فرزندان به این اعتبار که آنها مربی و فرزندان متربی‌اند می‌پردازد.

^۲. تربیت پسران و دختران در پرتو قرآن و سنت.

فصل دوم. سرپرستی و حقوق کودک و حقوق او در حضانت و محبت: در این فصل، با نکات زیر روبه‌رو هستیم: وجوب کفالت و فلسفه آن و نیز واگذاری حضانت به مادر پیش از هفت سالگی برای پسر و نه سالگی برای دختر، حق نفقه کودک و محل تأمین آن، تغذیه کودک و اهمیت شیر مادر، مادری و حضانت کودک، توجه اسلام به مادری، اموری که بر مادر واجب است رعایت کند، حقوق کودک بر پدر و مادر، مسئولیت والدین در قبال کودک، تنبیه کودک برای مصالح تربیتی او، راهنمایی کودک به رعایت حقوق والدین، مسئولیت تربیت جسمی و روحی و اجتماعی پدر و مادر، حقوق فرزند بر پدر و مادر، حقوق کودک در اسلام، حق داشتن پدر و مادر، حق کودک در انتساب به آباء و اجداد خویش، حق حیات، حق برخورداری از امکانات مادی، حق برخورداری از مساوات و عدالت در رفتار با او، تعریف دوستی و حب و ارتباط آن با مشاعر انسان، حب نفس، محبت انسان‌ها به یکدیگر، حب والدین به فرزندان و فطری بودن آن، عشق به خداوند و مقدس بودن آن، عشق به رسول‌الله (ص) و وجوب آن.

فصل سوم، درباره تدین و ایمان و عبادت کودک است و در آن به مطالب زیر اشاره شده است: تدین در کودک و اهمیت تلقین در ایجاد آن، اصول ایمان کودک (ایمان به خدایس یگانه، عادت دادن کودک به عشق رسول خدا و تکریم آن حضرت، ایمان به فرشتگان و ایمان به قدر)، ایجاد ایمان در کودک مسلمان، روش رسول خدا (ص) در رفتار با کودکان، پاداش برای حفظ کردن احادیث نبوی، توجه کودکان صحابه رسول‌الله (ص) به روح کودک، مراحل چهارگانه دعوت کودک به عبادت، فواید نماز جمعه برای کودک، پیوند مسجد با کودک، عادت دادن او به روزه رمضان و حج در کودکی.

فصل چهارم. آداب کودک، روش تأدیب او، گفتگو با او، تکلیفش: این فصل با شرحی بر آموزش پاره‌ای از آداب اسلامی به کودک آغاز می‌شود (نماز، حضور در مسجد، طهارت، آداب اجتماعی، آداب اجازه گرفتن برای ورود به محل استراحت دیگران، روزه).

پس از این، گفتگو از تأدیب از راه توبیخ و پرهیز از تنبیه بدنی است. ثواب و عقاب کودک و نکاتی درباره تنبیه بدنی و شروط آن، و نیز لوازم رعایت سطح درک کودک و مسئول بارآوردن کودک، دیگر مطالب این فصل است.

فصل پنجم. تربیت اخلاقی و اجتماعی کودک و مهربانی و مساوات در رفتار با او: نگارنده در شرح تربیت اخلاقی، از مفهوم خُلق و ادب می‌گوید و از اهمیت ادب یاد می‌کند و به آدابی چند که لازم است کودک بدان‌ها آراسته شود اشاره می‌کند و نمونه‌هایی از برخوردهای اخلاقی پیامبر اکرم (ص) با کودکان می‌آورد؛ آنگاه، به تربیت اجتماعی می‌رسد و از نکات زیر یاد می‌کند: بردن کودک به مجالس، او را در پی انجام کارها

گسیل داشتن، عادت دادن او به سلام کردن، عیادت از او به هنگام بیماری، گزینش دوستان خوب برای کودک، شوخی پیامبر اکرم (ص) با کودکان؛ سپس، به رفتار مهرآمیز و از سر رحمت با کودک می‌گوید و به توجه به کودکان یتیم و حفظ اموال آنها اشاره می‌کند و از وجوب رعایت مساوات میان فرزندان می‌گوید.

نویسنده در فصل ششم، نخست از توجه اسلام به کودک و حتی کودکان کافر اسیر در دست مسلمانان یاد می‌کند؛ سپس، به نیازهای کودک می‌رسد و از توجه مریبان مسلمان به نیازهای کودک می‌گوید و پاره‌ای از این نیازها را برمی‌شمارد و در ادامه از لزوم عدالت و مساوات میان کودکان یاد می‌کند و به لزوم حسن رفتار با کودک و بازی با او اشاره می‌کند.

در فصل هفتم، ابتدا سخن از شمول تربیت اسلامی و یکی از اصول آن (ترغیب) است؛ پس از آن، نگارنده از علم و توجه به قواعد یادگیری در اسلام می‌گوید و به پاره‌ای از روش‌های تربیتی در اسلام می‌پردازد (پیروی از قرآن و سنت، استفاده از اسوه حسنه و پند و اندرز شایسته)؛ سپس، به مفهوم تربیت ترغیبی روی می‌کند و از اهمیت تربیت از راه ترغیب می‌گوید و با اشاره به ترغیب به اخلاص برای خداوند و ترغیب به قرائت قرآن کریم مطالعه کتاب‌های مربوط به سنت نبوی و نیز ترغیب به استفاده بهینه از وقت برای تحصیل، فصل را به پایان می‌برد.

نگارنده در فصل هشتم، بحث ترغیب در فصل هفتم را پی می‌گیرد و در ترغیب به انجام عبادات، بر پایه نماز، پرداخت زکات و روزه‌داری می‌گوید و به انجام حج، تخلق به آداب نبوی، حفظ امانت و ادای آن، رعایت ادب در گفتار، همکاری در امور خیر و راستگویی پیوسته اشاره می‌کند.

فصل نهم درباره مبانی تربیت اخلاقی، عقلانی، اجتماعی و عاطفی است. نگارنده برای تربیت اخلاقی هفت مبنی یاد می‌کند (ایجاد اعتماد به نفس در کودک، ایجاد محبت میان کودک و خانواده‌اش و نیز مردم، آگاه کردن کودک از اینکه مبانی اخلاقی در سرشت آدمی ریشه دارد و لازمه زندگی اجتماعی است، پرورش و نیروی اراده، ایجاد و پرورش احساس اخلاقی، ایجاد عادت‌های اخلاقی در کودک، مبانی‌ای که برای تربیت اخلاقی یاد می‌کند، عبارتند از: سازواری آموزش با رشد متربی، اطمینان از آموزش درست و فراگیری کامل و مناسب، آموزش صبغه انتقادی برای پرورش روحیه نقادی در فراگیر، آموزش مطالب درست و مورد اطمینان به فراگیر، بیان روش تفکر برای رسیدن به حقایق، نگارنده برای تربیت اجتماعی دو مبنی یاد می‌کند: و دیگر آنکه، هر چه آموزش زودتر شروع شود و فراگیر خردسال‌تر باشد تأثیر آموزشی بیشتر است، نخستین برخوردهای زندگی اجتماعی کودک در شکل‌گیری شخصیت و تربیت اجتماعی او بسیار دخیل است. نویسنده در ادامه از هدف‌های تربیت اجتماعی می‌گوید و به اهم شروط تربیت اجتماعی اشاره می‌کند.

در فصل دهم تا دوازدهم، سخن از تربیت ویژه دختران است. نگارنده در شرح تربیت خاص دختران به مطالب زیر پرداخته است: تربیت پسران و دختران از واجبات است، لزوم رفتار محبت‌آمیز با فرزندان، حقوق دختران بر پدر و مادر، ادب پسران و دختران، چند نکته درباره همکاری در میان افراد خانواده، پاره‌ای از مواد آموزشی لازم برای دختران، لزوم آموزش دختران، حجاب و عدم ناسازگاری آن با تحصیل، تعلیم و تدریس دختران، شروط تعلیم و تدریس مردان و دختران، لزوم آراستگی دختران به حیا و پرهیز از خجالت بی‌مورد، روابط اجتماع دختران با مردان اجنبی، زیان‌های و خطرهای آموزش مختلط، اسلام از راه حجاب و دختران جوان را عزیز و کریم و محفوظ می‌دارد، بحثی از مفهوم و میزان شرعی پوشش زن، لباس زنان جوان در نماز، پاره‌ای از زینت‌های حرام برای دختران.

نگارنده در فصل سیزدهم به تربیت نوجوانان و حل مشکلات فکری، روحی و اجتماعی او نظر دارد. وی نوجوانی را دشوارترین مرحله تربیت می‌داند و مهم‌ترین مبانی تربیت نوجوان را این‌گونه یاد می‌کند: لازم است والدین احساسات و خواسته‌های نوجوان را درک کنند و رازدار و پناه نوجوان خود باشند و طبیعت و توانایی‌های او را بشناسند و در محیطی پدران و سرشار از مهر با نوجوان خود زندگی کنند. نگارنده در شرح مشکلات نوجوانان، به خیال‌بافی‌های نوجوان اشاره می‌کند، به اهمیت و منشأ آنها می‌پردازد، از راه‌های تسکین مشکلات ناشی این خیال‌پردازی‌ها می‌گوید، به برخی از مهم‌ترین مشکلات و اضطرابات نوجوانی در خانه و تحصیل اشاره می‌کند و راه تسکین برخی از آنها را می‌آورد؛ و به درمان عقده‌های روحی نوجوانان می‌پردازد و از لزوم هدایت خشم نوجوان و روش‌های مهار آن یاد می‌کند.

فصل چهاردهم، تربیت نوجوان و حل مشکلات نوجوان جسمی و بهداشتی او: این فصل شامل مطالب زیر است: اثر فرهنگ و تربیت پدر و مادر بر فرزند، خانواده و تربیت، هدایت نوجوان به انس و علاقه اجتماعی، سهم پدر و مادر در رشد اجتماعی نوجوان، دوست ناباب در نوجوانی و راه پرهیز از آن، درمان پاره‌ای از مشکلات جسمی و بهداشتی نوجوان.

فصل پانزدهم، درباره سرپیچی نوجوان د مشکلات جنسی او حمایت او در برابر خطرها و نیز ازدواج در نوجوانی است و نگارنده از غرور نوجوان در خانواده و کوتاهی او در عبادت و به تأخیر انداختن انجام کارهای درسی می‌گوید و به مشکلات جنسی نوجوان می‌پردازد، از زیان‌های ول‌گردی در کوچه و بازار می‌گوید، از عواما تحریک‌کننده میل جنسی نوجوان یاد می‌کند، به برخی از محرکات جنسی دختران اشاره می‌کند و می‌افزاید: باید با کمال جدیت مراقب بود تا نوجوان به انحراف در امور جنسی گرفتار نشود.

فصل شانزدهم این کتاب درباره اهمیت زمان و جایگاه آن در اسلام و زیان‌های بر باد دادن وقت است و در آن اشاره می‌شود که زمان معیارزندگی است و در قرآن به وقت بسیر توجه شده است. وقت گران‌ترین ثروت است و هرگز نمی‌توان آن را دوباره به دست آورد. مسلمان در قبال وقت و عمر خویش وظایفی دارد. باید از زیان‌های اتلاف وقت آگاه بود و از اتلاف وقت پرهیز کرد.

در فصل هفدهم با تنظیم وقت و لزوم رعایت آن آشنا می‌شویم. نگارنده در شرح این موضوع می‌گوید: تنظیم وقت و استفاده حساب شده از آن، از وظایف فرد مسلمان است؛ لذا باید ساعات روزانه را تقسیم‌بندی و تنظیم کرد تا از هدر رفتن آن پیشگیری شود. فرد مسلمان باید هر کاری را در وقت خود انجام دهد و از بی‌نظمی پرهیز کند.

موضوع فصل فرجامین این کتاب، درباره توجه به آینده و بهره‌گیری از عمر و پرهیز از غفلت است. انسان باید پیوسته آینده را در نظر داشته باشد و البته از گذشته و حال هم نباید غفلت کرد.

۳. محمود، علی عبدالحمیم، التریبۃ الاسلامیة فی سورة آل عمران.^۲ [الطعة الاولى]: [مصر]، دارالتوزیع و النشر الاسلامیة، ۱۹۹۸. ۳۹۵ ص.

این کتاب که گونه‌ای تفسیر به شمار است، جلد نخست از مجموعه‌ای شش جلدی است که در هر جلد آن به سوره‌ای از قرآن کریم پرداخته شده است. هدف این کتاب، واکاوی مفاهیم آیات و شرح نکات تربیتی آنهاست. نگارنده برای این کار، ابتدا به مضمون کلی و مفاهیم و مفردات هر آیه می‌پردازد و از مواضع تربیتی عام و مواضع تربیتی خاص آیات درباره دعوت یاد می‌کند و از اقوال گوناگون در تفسیر آیات می‌گوید. این کتاب - چون دیگر مجلدات این مجموعه - به واقع بحث در تعلیم و تربیت اسلامی به معنای خاص کلمه نیست؛ بلکه گونه‌ای تفسیر و آموزش معارف قرآنی است که در آن به اخلاق، تاریخ، تفسیر، فقه، سیاست، مسائل حقوقی، فروع دین، دعوت، تبلیغ و جز اینها اشارت رفته است؛ به مثل در شرح آیات ۱۰۳-۱۰۹ به اوصاف برازنده مؤمنان نظر شده است.

نگارنده در آغاز اشاره‌ای کلی به مضمون آیات می‌کند بعد به شرح معنای «حق تقاته» و دیگر قسمت‌های آیات می‌پردازد و از سه شرط تحقق «حق تقاته» یاد میکند؛ سپس، از امر به معروف و نهی از منکر می‌گوید و به برخی از مواضع تربیتی عام این آیات می‌رسد و از وجوب تقوا و شرط توانایی و بر تقوا و لزوم اعتصام به کتاب و سنت و لزوم حفظ نعم مادی و معنوی و سپاس بر آنها می‌گوید و سرانجام به مواضع خاص تربیتی این آیات درباره تبلیغ، دعوت و حرکت برای دین اشاره می‌کند و برخی از ویژگی‌های مبلغان و دعوت‌کنندگان به دین را برمی‌شمارد.

^۲. تربیت اسلامی در سوره آل عمران.

۴. محمود، علی عبدالحلیم. التریبۃ الاسلامیة فی سورۃ المائدۃ. ۴ الطبعة الاولى: مصر، دارالتوزیع و النشر الاسلامیة، ۱۴۱۴ / ۱۹۹۴. ۴۷۰ ص.

این کتاب، جلد دوم از مجموعه شش جلدی است که در هر جلد آن به سوره‌ای از قرآن کریم پرداخته شده است. نویسنده، پیش از پرداختن به سوره مائده، مطلبی با عنوان پیش‌درآمد یاد کرده است که به آنها اشاره می‌کند: ویژگی‌هایی که قرآن کریم را از دیگر کتاب‌های آسمانی متمایز می‌کند، مفهوم تربیت در قرآن، عنایت قرآن به توحید، عبادت، اخلاق و معاملات و ارائه مطالب تربیتی درباره آنها در قالب ارزش‌های اعتقادی، عبادی، اخلاقی، اقتصادی؛ ویژگی‌های نظام و برنامه تربیتی در قرآن کریم (آبشخور الهی دارد، فراگیر و عام است، به همه جنبه‌های حیات انسان توجه دارد، و چیزی را فدای چیز دیگر نمی‌کند، به عمل می‌خواند و رویکرد مثبت و فعال دارد، بین واقع‌گرایی و معناگرایی جمع کرده است)، حوزه‌های و حیطه‌های تربیت در قرآن (انسان، جامعه و محل زندگی افراد، امت اسلامی و جامعه جهانی)، اشارتی به تربیت اخلاقی، روحی، عقلانی و هنری، اقتصادی، عبادی، جسمی، سیاسی، اجتماعی و جهادی در قرآن، فلسفه آغاز این مجموعه با سوره مبارکه مائده، روش ما در تفسیر تربیتی حاضر.

نگارنده پس از این، متن آیات سوره مبارکه مائده را می‌آورد و پس از شرح لغات و مسائل اعتقادی و اخلاقی آنها، به مواضع تربیتی عام و خاص آیات می‌پردازد.

۴. تربیت اسلامی در سوره مائده.

۵. سوید، محمد نورین عبدالحفیظ. منهج التریبۃ النبویۃ للطفل مع نماذج تطبیقیۃ من حیاء السلف الصالح^۵ الطبعۃ الخامسة؛ دمشق - بیروت، دارالکثیر، ۱۹۹۵. ۴۱۱ ص.

در فصل اول این کتاب، سخن از مقدماتی است که بیشتر مربوط به پیش از مرحله پدر و مادر شدن افراد است. نگارنده، ابتدا از مسئولیت تربیتی پدر و مادر در فرهنگ اسلامی می‌گوید و این نکته را از زبان قرآن کریم و سنت شریف و برخی از مریبان بزرگ مسلمان وامی‌شکافد؛ آنگاه، به یکی از مقدمات اساسی تربیت کودک می‌پردازد و آن ازدواج با فرد صالح است. نگارنده پس از بحث‌هایی درباره همسر و نقش آن در آینده فرزند، به هدف‌های ازدواج می‌پردازد و از ویژگی‌های مربی موفق و شایسته یاد می‌کند.

در فصل دوم این اثر، به پاره‌ای از آداب و سنت‌ها و قوانین حقوقی اسلام درباره فرزند از تولد تا دو سالگی اشاره می‌شود؛ از آنهاست: کودک چون در ماه مبارک رمضان زاده شود باید برای او نیز زکات فطره پرداخت؛ کودک اگر زنده زاده شود، ولو یک لحظه زنده باشد، ارث می‌برد؛ اطرافیان شایسته است ولادت کودک را به والدینش تبریک بگویند، باید در آغاز زادن در گوش راست کودک اذان و در گوش چپ او اقامه خواند، سه معیار برای گزینش نام نیکو برای کودک، نکاتی درباره لزوم و اهمیت تغذیه کودک با شیر مادر، حق حضانت مادر و حق سرپرستی پدر بر کودک.

فصل سوم کتاب که نیمی از حجم کتاب را در برمی‌گیرد، درباره پرورش ابعاد گوناگون شخصیت کودک از دو سالگی تا دوران بلوغ است. نگارنده، در شرح این فصل ۹ به زمینه تربیتی اشاره می‌کند و برای هر یک چند رکن و قاعده اساسی را با توجه به قرآن و سنت نبوی به شرح می‌آورد:

(۱) پرورش اعتقادی کودک: در سیره رسول‌الله (ص) برای تثبیت عقاید اسلامی در دل و دماغ کودک، پنج رکن اساسی دیده می‌شود: یکی، تلقین کلمه توحید و دعوت کودک به حفظ و تکرار لا اله الا الله، بی‌آنکه برای او استدلال عقلی بیاوریم. در قرآن کریم به لزوم توجه و عنایت پدر و مادر به عقاید فرزندان اشاراتی آمده است؛ چنانکه ابراهیم و یعقوب و داود (ع) خطاب به فرزندان به خود عقاید درست را به آنها گوشزد می‌کنند. پیامبر عظیم‌الشان اسلام نیز از فرصت‌های پیش آمده، برای ارشاد و دعوت کودکان به توحید بهره می‌گرفته است.

رکن دوم، ایجاد محبت به خداوند و روحیه یاری جستن از او و خود را تحت مراقبت حضرت حق دانستن است. تعمیق اندک اندک این حالت‌ها در روان کودک، موجب می‌شود وی در زندگی کودکانه امروز و حیات مردانه و زنانه فردا، با مسائل و مشکلات، برخورد معقول و امیدوارانه داشته باشد.

^۵. نظام نبوی تربیت کودک همراه با نمونه‌هایی عملی در زندگی صحابه و تابعین.

رکن سوم، تعمیق دوستی جناب رسول الله (ص) است. نگارنده در شرح این رکن، از لزوم و اهمیت اسوه حسنه برای تربیت می‌گوید و به روش‌های تعمیق دوستی رسول الله در سیره صحابه می‌پردازد.

رکن چهارم، حفظ قرآن کریم است که نگارنده برای واکاوی آن از روایاتی که کودکان را به حفظ قرآن می‌خواند یاد می‌کند، از پاداش پدر و مادر برای آموزش قرآن به کودک می‌گوید، لزوم شرح مختصر آیات را برای کودک یادآور می‌شود، به چگونگی تأثیر قرآن در روح کودک می‌پردازد و به چند نمونه از کودکان حافظ قرآن اشاره می‌کند.

پنجمین رکن تربیت اعتقادی، پایداری در راه عقیده و فداکاری و جان‌فشانی برای آن است که در شرح آن از فداکاری‌ها و از خودگذشتگی‌های فرزندان صحابه در راه عقیده یاد می‌شود.

۲) پرورش روحیه پرستش در کودکی: کودکی، مرحله تکلیف شرعی نیست و پرورش روحیه پرستش در کودک برای آمادگی و تمرین و عادت‌آفرینی در اوست، تا چون به تکلیف شرعی برسد، انجام عبادت‌ها بر او دشوار نباشد. پرورش روحیه پرستش مکمل تربیت شخصیت اعتقادی کودک است. نگارنده در ادامه بحث، برای بازشکافت این‌گونه تربیت، از ارکان پنج‌گانه آن یعنی نماز، روزه، حج، زکات و ارتباط با مسجد یاد می‌کند و هریک را به شرح می‌کاود.

۳) پرورش شخصیت اجتماعی کودک: مراد نویسنده از این‌گونه تربیت، آن است که کودک بتواند در محیط‌های گوناگون با افراد سازگاری کند و نشاط اجتماعی داشته باشد و کاملاً از گوشه‌گیری و خجالت دوری کند و با دیگران بر احساس ادب و احترام معاشرت کند. از مطالعه احادیث رسیده از جناب رسول الله (ص)، می‌توان به ارکانی که آن حضرت برای شکل‌گیری شخصیت اجتماعی کودک به کار برده است، دست یافت، از آنهاست:

عادت کردن کودک به سلام کردن با صدای رسا، عیادت کودک هنگام کسالت و بیماری، مشارکت کودک در گروه‌های دوستی کودکانه و بازی‌های گروهی و عادت دادن کودک به خرید و فروش.

۴) تربیت اخلاقی کودک: نگارنده، در این قسمت پس از اشاره به اهمیت این دست تربیت، از ارکان پنج‌گانه آن می‌گوید؛ مثلاً در رکن اول به ادب می‌پردازد و از اهمیت ادب در کودکی از نگاه سنت نبوی یاد می‌کند و به شرح گونه‌های آداب وارد، در سنت برای کودکان روی می‌کند و هریک را شرح می‌دهد.

۵) تربیت عاطفی و روحی کودک: تربیت عاطفی کودک بسیار مهم است و افراط و یا تفریط در آن به عدم تعادل روانی و رفتاری در کودک می‌انجامد. پدر و مادر مهم‌ترین نقش را در تکوین شخصیت عاطفی کودک

دارند؛ اما، چگونه در تکوین شخصیت عاطفی کودک دخالت مثبت بکنیم؟ نگارنده در پاسخ این پرسش به احادیث نبوی می‌پردازد و از لابه‌لای آنها مواردی را یاد می‌کند.

۶) تربیت جسمی کودک: بازی جزو طبیعت و سرشت کودک است. خداوند بازی را در غریزه کودک نهاده است تا جسم او رشد طبیعی کند. بازی لازمه طبیعی دوران کودکی است. مریبان مسلمان به پیروی از اسلام، همواره به اهمیت بازی و فعالیت‌های جسمی در رشد تنی و روانی کودک توجه داشته‌اند. نگارنده در ادامه این گفتار، به ارکان چهارگانه تربیت جسمی کودک می‌پردازد.

۷) تربیت علمی و فکری کودک: هیچ یک از ادیان الهی، در دعوت به آموزش فرزندان، هم‌پای اسلام نیست و از این هم فراتر، در جهان هیچ طرز تفکری چون اسلام دعوت به آموزش نمی‌کند و این ادعایی به جاست که حتی بیگانگان هم بدان معترفند. نگارنده برای این جنبه از تربیت کودک، هشت رکن را شرح می‌دهد.

۸) آموزش بهداشت عمومی به کودک.

۹) نگارنده در پایان این فصل، از تهذیب انگیزه‌های جنسی در کودک می‌گوید و ارکان اساسی پنج‌گانه‌ای برای آن برمی‌شمارد.

فصل چهارم، نگارنده در این فصل از ترغیب کودک به نیکی بر پدر و مادر و منع او از آزدن آنها می‌گوید و به ثواب نیکی در دنیا و آخرت اشاره می‌کند و از تقدم نیکی به پدر و مادر یاد می‌کند و از نیکی‌هایی که پس از درگذشت پدر و مادر می‌توان در حق آنها رواداشت می‌گوید.

محمد سوید، در فصل پنجم به روش‌های نبوی تربیت کودک می‌پردازد؛ ایشان این روش‌ها را در سه گروه اساسی بررسی می‌کند: الف) روش‌هایی که مخاطب آنها پدر، مادر و مربی فرزند است؛ ب) روش‌هایی که مربوط به پرورش عقلانی کودک است؛ ج) روش‌هایی که مربوط به پرورش نفسانی و روحی کودک است. نگارنده هر یک از این سه گروه را به شرح می‌آورد.

فصل ششم، تأدیب کودک: نگارنده در شرح این مطلب، نخست از مفهوم فقهی تأدیب می‌گوید؛ آنگاه، به ضرورت تربیتی تأدیب اشاره می‌کند و می‌افزاید: ابتدا باید از سوء فهم و اشتباه عملی کودک پیشگیری کرد و راه غلط را بر او بست؛ آنگاه، اگر با این حال لجاجت کرد و خطای او ناشی از سوء خلق و کزخویی بود، می‌توان او را تنبیه کرد. در تنبیه باید ابتدا تهدید کرد و اگر مؤثر نیافتاد می‌توان به گوش‌مالی روی کرد. در تنبیه بدنی قواعد و اصولی را باید پاس داشت که نگارنده آنها را به شرح آورده است. در پایان کتاب، چهل حدیث برای والدین و چهل حدیث برای فرزندان آمده است.

۶. عمر، عمر احمد. منهج التربية في القرآن و السنة.^۶ الطبعة الاولى: دمشق، دارالمعرفة، ۱۴۱۶ / ۱۹۹۶. ص ۳۳۶.

نگارنده، در فصل اول، به معنای تربیت می‌پردازد و برای نشان دادن اهمیت تربیت، از پرورش گیاه، جانور و تربیت انسان می‌گوید و به هدف‌های تربیت اشاره می‌کند، هدف تربیت اسلامی را تربیت انسان صالح معرفی می‌کند، از هدف‌های تربیتی در غرب نیز یاد می‌کند. در فصل دوم، به دامنه‌های تربیت می‌رسد و از تربیت جسمی، عقلی و اجتماعی، هنری، عاطفی و روحی می‌گوید و هر یک را شرح می‌دهد. عناصر تربیت، موضوع فصل سوم است که یکی از این عناصر، اعتقادات اسلامی است که نگارنده در شرح آن، از دلیل‌های وجود باری و یگانگی حضرت حق و آثار تربیتی توحید می‌گوید، به اعتقاد به فرشتگان و آثار تربیتی آن اشاره می‌کند، از اعتقاد به کتاب‌های آسمانی و رسولان می‌گوید و پس از تعریف پیامبری و برشمردن ویژگی‌های آن، و آثار تربیتی اعتقاد به رسولان، به رستاخیز و باور آن و آثار تربیتی آن اشاره می‌کند. نویسنده، پس از اشاره به لزوم اعتقاد به قضا و قدر و آثار تربیتی این باور، به عنصر دوم یعنی، عبادت می‌رسد و از نماز، روزه، زکات و حج یاد می‌کند؛ سپس، به عنصر سوم که اخلاق است می‌رسد و از اهمیت آن و نیز پیوندش با شرع می‌گوید و پاره‌ای از محاسن اخلاقی را یادآور می‌شود و با برشمردن برخی از سیئات اخلاقی، به فصل بعدی می‌رسد.

نگارنده، در فصل چهارم، از مهم‌ترین اصول تربیتی می‌گوید، به تربیت‌پذیری انسان اشارت می‌کند، اصل تدریج در تربیت را می‌آورد، به لزوم رعایت تفاوت‌های فردی می‌پردازد، از ابزار شناخت یعنی، حس، عقل و وحی می‌گوید و به لزوم و وجوب آموزش اشاره می‌کند.

فصل پنجم، درباره روش‌ها و شیوه‌های تربیتی است و نگارنده، از رهگذر آن به ارشاد و وعظ، داستان‌سرایی، گفتگو و مباحثه، تمثیل، عادت، نمونه‌برتر، بازی، تشویق و تنبیه می‌پردازد.

موضوع فصل ششم، مراحل تربیت است و نگارنده، در آن به مراحل پیش از تولد، دوران نخست کودکی (دوره پیش دبستانی)، مرحله تمییز، مرحله بلوغ و رشد، مرحله پیری می‌پردازد و هر یک را بشرح می‌آورد. در فصل هفتم، از مراکز تربیتی یاد می‌کند و از خانواده، مدرسه، مسجد، کتابخانه و جامعه می‌گوید و هر یک را توضیح می‌دهد.

نگارنده در فصل هشتم، به ویژگی‌های نظام تربیتی اسلام می‌پردازد و از الهی بودن آن می‌گوید و به فراگیری و شمول آن اشارت می‌کند و به متوازن بودن این نظام تربیتی می‌پردازد و به واقعگرایی یعنی، عینیت و آرمانی

^۶. نظام تربیت در قرآن و سنت.

بودن آن اشاره می‌کند و از فعال بودن و پویایی مثبت این نظام می‌گوید و بفرجام به بازنمود ثبات و دگرگونی در آن می‌پردازد.

۷. جلو، الحسین جرنو محمود. اسالیب التشویق و التعزیر فی القرآن الکریم. ۷. الطبعة الاولى: بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ / ۱۹۹۴. ۳۳۴ص.

مطالب این کتاب در ۳ باب و هر باب آن در ۳ فصل تنظیم و تحریر شده است. در باب اول به بحث‌های مقدماتی، پیشینه بحث، و آراء دانشمندان درباره اصلاح رفتار با تشویق و تنبیه پرداخته می‌شود. نگارنده برای بازکافت مقدمات بحث، به نیاز جامعه به تربیت اشاره می‌کند و از عنایت قرآن به تربیت و علم می‌گوید و تربیت مستمر را یادآور می‌شود و ضمن اشاره به اهمیت تربیت برای انسان و فلسفه آن، می‌افزاید: طولانی بودن دوران کودکی در انسان و ضرورت وجود این مرحله برای استمرار نسل آدمی، از عوامل اهمیت تربیت برای انسان است. نگارنده پس از این، به مفهوم تربیت می‌رسد و یادآور می‌شود که در باب تعیین مفهوم و تعریف تربیت، اختلاف فراوان است. وی یکی از علل این ناهمداستانی را رویکردهای گوناگون به انسان‌شناسی می‌داند. ایشان در ادامه، به انگیزه‌های طرح این بحث و نیز اهمیت آن و هدف تحقیق می‌پردازد و با شرح پاره‌ای از اصطلاحات به کار رفته در کتاب، از روش کار خود در تحقیق می‌گوید؛ آنگاه، به پیشینه بحث در آراء دانشمندان مسلمان متقدم چون: نووی، منذری، ابن‌سحنون، غزالی، ابن‌خلدون و زرنوجی اشاره می‌کند و به پاره‌ای از تحقیقات تربیت‌پژوهان مسلمان در قرن حاضر در این باره می‌پردازد و گریزی می‌زند و از آراء برخی از دانشمندان درباره هدف اساسی تربیت یاد می‌کند، تا از این رهگذر به وسائل و روش‌هایی که لازمه تحقق هدف است می‌رسد و در ضمن آن از تشویق و تنبیه یاد می‌کند و به اختلاف نظر دانشمندان درباره مشروعیت استفاده از این دو ابزار در تربیت می‌پردازد و آنها را به سه گروه تقسیم می‌کند: (۱) مخالفان استفاده از تشویق و تنبیه؛ (۲) مخالفان تنبیه و موافقان تشویق؛ (۳) موافقان تشویق و تنبیه. نگارنده پس از شرح کوتاه این سه دیدگاه، در پایان این باب از وسائل جایگزین تنبیه یاد می‌کند و با اشارتی کوتاه به علل مخالفت برخی از دانشمندان با تشویق و تنبیه بمثابة دو ابزار تربیتی، به باب دوم کتاب می‌پردازد.

در باب دوم، با هدف‌های تربیتی قرآن، میزان کاربرد روش تشویق و تنبیه در قرآن و مواد مجاز به کارگیری این دو روش آشنا می‌شویم.

نگارنده در شرح هدف‌های تربیتی قرآن، ابتدا اشارتی می‌کند به جو حاکم بر عرب‌ها پیش از نزول قرآن؛ سپس، به آیات مکی و مدنی قرآن می‌پردازد و آیات را براساس محتوای آنها به آیات عقائدی، عبادی، داستانی و اخلاقی تقسیم می‌کند. پس از این، از نگرش قرآن به انسان، زندگی و هستی، یاد می‌کند تا می‌رسد

۷. روش‌های تشویق و تنبیه در قرآن کریم.

به مهم‌ترین ارزش‌ها و هدف‌های قرآنی و برای توضیح آنها از هدف‌های نزول قرآن می‌گوید و بفرجام از هدف‌های زیر یاد می‌کند: صداقت و راستی، دانش و شناخت، عمل صالح، وحدت، نیکی، تقوا، احسان و پرستش خالصانه خداود. نگارنده پس از شرح کوتاه هدف‌های یاد شده، به میزان کاربرد روش تشویق و تنبیه در قرآن می‌پردازد و از این رهگذر به اهمیت وسائل و روش‌های تربیتی اشاره می‌کند و وسائل تربیتی در قرآن را به دو دسته اقناعی یا عقلی، و عاطفی مثبت و منفی یا ارضائی و عقابی تقسیم می‌کند و یادآور می‌شود که قرآن به استفاده از وسائل اقناعی تشویق می‌کند و در عین حال از وسائل عاطفی (تشویق و تنبیه) هم برای اصلاح رفتار فراوان بهره می‌برد. نگارنده در ادامه به آیاتی که بر استفاده از تشویق و تنبیه به عنوان وسائل تربیتی تصریح دارند، اشاره می‌کند و به مواردی از تشویق و تنبیه و مثال‌هایی از ثواب و عقاب در قرآن می‌پردازد.

بحث فرجامین باب دوم، درباره موارد مجاز به کار بردن ثواب و عقاب در قرآن کریم است. نگارنده موارد جواز استفاده از ثواب و عقاب را در قرآن، شامل موارد زیر می‌داند: (۱) اعمال این دو روش نباید با کرامت و حریت آدمی ناسازگار افتد؛ (۲) با اعمال این دو روش باید انگیزه‌های دینی تقویت شود؛ (۳) اعمال این دو روش نباید با فطرت انسان مغایر باشد. نگارنده هریک از موارد یاد شده را بشرح می‌کاود.

موضوع باب سوم، انواع روش‌های اصلاح رفتار و مبانی قرآنی آنهاست. در فصل اول این باب، سخن بر سر تقسیم‌بندی روش‌های اصلاح رفتار در قرآن است. روش‌های قرآنی اصلاح رفتار، چهارگونه یا دسته است: (۱) تحریک و تعلیق؛ (۲) روش‌های ترغیب و ترهیب که بیان قطعی بودن سزای عمل است؛ (۳) ترغیب و ترهیب از راه وصف بهشت و دوزخ و چگونگی آنها؛ (۴) اصلاح رفتار از راه قوانین جزائی معین شده در قرآن. نگارنده هریک از چهار مورد فوق را شرح می‌دهد و به فروع و آیات مربوط به آنها می‌پردازد.

فصل دوم این باب، درباره مبانی روش‌های اصلاح رفتار در قرآن کریم است که نگارنده برای بازشکافت موضوع، ابتدا به ویژگی‌های روش‌های اصلاح رفتار در تربیت جدید نظر می‌کند؛ آنگاه به برجسته‌ترین مبانی تربیتی که روش تربیتی قرآن بر آنها تکیه دارد می‌پردازد؛ یعنی، اقناع عقلانی، داستان و عبرت‌های تاریخی و تحریک عواطف.

فصل فرجامین این کتاب، بررسی آماری آیات قرآنی درباره ترغیب و ترهیب (تشویق و تنبیه) است.

۸. النحلاوی، عبدالرحمن. التریبۃ بالآیات.^۱ الطبعة الاولى: بیروت - دمشق، دارالفکر المعاصر، ۱۴۰۹ / ۱۹۸۹. ص ۳۰۳.

در فصل اول از اهمیت بحث و آنچه در این کتاب کرده است و نیز مسأله مورد کندوکاو در این کتاب می‌گوید و به شرح چند اصطلاح در پرتو تربیت اسلامی می‌پردازد (تعریف تعلیم و شرح عناصر این تعریف). نگارنده، در فصل دوم به برخی از مهم‌ترین مبانی تربیتی و روان‌شناختی روش‌های تربیتی اسلام می‌پردازد، از آنهاست: رعایت جنبه وحدت و تکامل در فطرت انسان که علی‌رغم ترکیب انسان از خاک و روح، در تربیت او باید لحاظ شود. نکته بعدی، تنوع روش‌های تربیت اسلامی است. این تنوع از آن‌روست که تربیت اسلامی، در پی تربیت همه جوانب روحی و جسمانی انسان است. سومین نکته این فصل اشارتی است به تعدد روش‌ها و تغییر آنها در موضع واحد که از روش‌های قرآن است؛ چرا که، قرآن برای موضع و موضوع واحد به یک‌روش بسنده نکرده و از روش‌هایی چند بهره‌برده است. نکته دیگر این فصل، اشارتی است به اینکه روش‌های قرآن در این باره است که تربیت اسلامی می‌خواهد فراگیران و متریبان را بگونه‌ای بار آورد که خودشان بیندیشند و در پی رسیدن به حق باشند؛ نکته ظریفی که روان‌شناسی تربیت تازه بدان پی برده است. نگارنده، در فصل سوم به معنای لغوی و قرآنی و تربیت با آیات می‌پردازد. وی ابتدا از معنای لغوی و قرآنی این مقوله می‌گوید و به نمونه‌ای از روش تربیت با آیات اشاره می‌کند؛ آنگاه از معنای تربیتی این مقوله یاد می‌کند، تا می‌رسد به تحلیل روان‌شناختی و تربیتی این روش که همراه است با اشارتی به عناصر و ویژگی‌های روان‌شناختی و تربیتی این روش. نکته بعدی یادآوری برخی از شیوه‌های تربیتی‌ای است که این روش را در بر دارد. پس از این، گفتگو از آثار تربیتی روش تربیت با آیات است که عبارت است از پرورش عقلی، تربیت حواس، پرورش قدرت استدلال و بحث و جدل برای شناخت حق، پرورش تفکر کمی، آشنایی با قوانین اجتماعی و تاریخی، تربیت روحیه جستجو و کاوش در علل و اسباب و غایات امور، تسلط بر طبیعت از راه در اختیار گرفتن نیروهای طبیعت و تربیت اخلاق.

موضوع فصل چهارم، مهم‌ترین هدف‌های تربیت با آیات است. نگارنده، در شرح این نکته به مطالب زیر اشارت می‌کند: آشکار شدن حقیقت برای انسان، یافتن برهان بر یگانگی خداوند و ربوبیت حضرت حق، چگونگی تحقق اعتقاد درست به توحید، مهم‌ترین ویژگی‌ها و آثار تربیتی و روان‌شناختی اعتقاد به توحید که از تأمل در آیات خداوند حاصل می‌آید، ایجاد ایمان استوار به روز جزا، ابتلا و آزمایش، پرورش ترس از خداوند و پرهیز از محرمات و گناهان.

^۱. تربیت با آیات.

نگارنده، در فصل پنجم به تقسیم روش‌های تربیت با آیات می‌پردازد. وی آیات و نصوص حاوی تربیت با آیات را براساس روش عرضه و دلالت آیات و موضوع و نحوه استدلال آیات، تقسیم می‌کند و هر یک از این تقسیمات را به چند بخش می‌کند و از فواید تقسیم‌ها می‌گوید و ویژگی‌های روش‌ها و تقسیمات را برمی‌شمارد و از نمونه‌های آیات یاد می‌کند و آثار تربیتی برخی از آیات را بررسی می‌کند؛ سپس آیاتی را برای نمونه، تقسیم می‌کند؛ مثلاً آیات مربوط به عنایت خداوند به انسان.

در فصل ششم، از تقسیم آیات براساس موضوعات می‌گوید و به موضوعات زیر اشاره می‌کند: آیات خداوند در آفاق، آیات طبیعت، دو نوع آیات مربوط به طبیعت، برخی از هدف‌های آیات طبیعت و تأثیر تربیتی آنها، تربیت عواطف ربانی با آیات طبیعت، تربیت رفتاری، تقسیم آیات طبیعت، مبانی بحث از آیات طبیعت، زمینه‌های تقسیم آیات طبیعت، براساس موضوع آنها، آیات تاریخی، هدف‌های تربیتی آیات تاریخی (دلالت بر وحیانی بودن قرآن، دلالت بر سنن الهی حاکم بر اقوام و حوادث و وقایع تاریخی، آرامش روحی مؤمنان در قبال ناملايمات زندگي، پرورش اندیشه، روح و رفتار در اثر تأثیر از صفات خداوند).

فصل هفتم، درباره آیات خداوند در نفس انسانی. تقسیم براساس این موضوع، مبانی این تقسیم، برخی از هدف‌های تربیتی آیات مربوط به انسان، تقسیم آیات انفسی براساس دلالت آنها بر حقایق علمی معاصر، مشکلات و محاذیر این تقسیم، مهم‌ترین اصول مفهوم انسان از نگاه اسلام و بفرجام مثال‌هایی از آیات انفسی، نکات آمده در فصل هفتم است.

۹. النحلاوی، عبدالرحمن. التریبۃ بضرب الامثال.^۹ الطبعة الاولى: دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۹ / ۱۹۹۸. ۱۲۸ص.

نگارنده، در شرح فصل اول، ابتدا از معنای مثل می‌گوید و با اشاره به مهم‌ترین این معانی از زبان راغب اصفهانی، آن معانی را با مثل در قرآن تطبیق می‌دهد؛ سپس، به معانی لغوی و قرآنی مثال زدن (ضرب الامثال) با تأکید بر مفاهیم «ضرب» در این خصوص می‌پردازد و از فلسفه استعمال واژه «ضرب» در ضرب‌المثل یاد می‌کند و به آیاتی از قرآن اشاره می‌کند تا این مفهوم بهتر بازشکافته شود.

نحلاوی، پس از این به مفهوم ضرب‌المثل و مثل رایج در ادبیات عرب می‌پردازد و با اشاره‌ای کوتاه به تفاوت مثال‌های قرآنی با ضرب‌المثل در ادبیات عرب، و نیز معنای لغوی مثال، می‌گوید: مثال‌های قرآنی - جز یک مورد - هیچ یک مسبوق به فرهنگ عامه عرب نیست و جملگی ابتکاری قرآن است. وی در ادامه می‌کوشد، تعریفی قابل قبول از مثل در قرآن پیش رونهد؛ سپس به مراحل سه‌گانه مثل در قرآن و عناصر تربیتی آن یعنی، مقدمه و بیان، تطبیق و مقایسه مثل با ممثل‌له، هدف و محتوی می‌پردازد و برای نمونه به مراحل سه‌گانه مثل قرآنی در آیه ۱۵ و ۱۶ سوره ابراهیم نظر می‌کند و به تحلیل تربیتی هر یک از مراحل سه‌گانه مثال در این دو آیه می‌نشیند.

نحلاوی در فصل دوم، ابتدا به معیارها و مبانی طبقه‌بندی مثال‌های قرآنی می‌پردازد و از پنج معیار یاد می‌کند: (۱) تقسیم‌بندی براساس موضوع یا نوع آن مانند: مثال‌های مبتنی بر تشبیه به پاره‌ای از حوادث و پدیده‌های طبیعی (باران، باد، گیاه و سراب) و یا مثال‌هایی که در آنها امور معقول، به برخی از حشرات تشبیه شده است مثل، تشبیه عقیده مشرکان به لانه عنکبوت و تشبیه کسی که شریعت را بیاموزد و بدان عمل نکند به درازگوشی که کتاب حمل می‌کند؛ گاه نیز انسان مشبه به است، و گاه حوادث تاریخی، موضوه مثل است.

ب) تقسیم‌بندی براساس روش ضرب مثل، برخی از مثال‌ها صرف تشبیه است مانند تشبیه اعمال کافران به سراب، برخی از مثال‌ها برای بیان مقایسه میان دو نفر است که یکی نمونه خیر و دیگری سرمشق شر است، مانند مثال آن دو مرد در سوره کهف (آیه ۳۴-۴۲)، برخی از امثال هم برای بیان تفاوت میان دو تقیض از راه مقایسه آنهاست، مانند آیه ۲۴ سوره هود.

ج) تقسیم‌بندی براساس دلالت و محتوای مثال‌ها: پاره‌ای از مثال‌های قرآنی، برای پند دادن و عبرت گرفتن و منع و تحذیر است، برخی دیگر از مثال‌های قرآنی، برای وضوح و روشنایی مطلب بیان شده است، «مثل الجنة التي وعد المتقون تجرى من تحتها الانهار اكلها دائم وظلها...» (رعد/۳۵)؛ پاره‌ای از مثال‌های قرآنی برای بیان عظمت ممثل‌له یاد شده است «للدین لایؤمنون بالآخرة مثل السوء و لله المثل الاعلی...» (نحل/۶۰).

^۹ تربیت با مثال.

د) تقسیم‌بندی براساس روش بیان مثال: پاره‌ای از مثال‌های قرآنی روش انشایی دارد و گاه به صورت پرسشی، گاه به شکل ندا و گاه به سیاق امر بیان می‌شود. گروهی از مثال‌های قرآنی در قالب اخبار بیان می‌شود و وجه اخباری دارد و در آنها ممکن است ضرب‌المثل مقصود بالذات باشد (ص ۳۳) و ممکن است مراد از بیان مثل، اقامه دلیل بر امری باشد «... و مثلهم فی النجیل کزرع اخرج شطأه فآزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه...» (فتح/۲۹). گروه سومی از مثال‌های قرآنی که در خود قرآن (آیه) بر مثال بودن آنها با لفظ مثل تصریح شده، کما اینکه در برخی از مثال‌های قرآنی به این موضوع تصریح نشده است (نور/۳۹).

نحلاوی در ادامه این بحث، تقسیم‌بندی اول و دوم را بتفصیل وامی‌کاود و برای هریک مثال‌هایی از قرآن می‌آورد و به تحلیل تربیتی پاره‌ای از آنها می‌پردازد. وی در تحلیل تربیتی، از سه مرحله مقدمه و بیان، تطبیق مثل بر مثل‌له، ذکر هدف و محتوای مثل، یاد می‌کند. نگارنده، در فصل سوم به مهم‌ترین هدف‌های امثال قرآنی می‌پردازد، و از این رهگذر به هدف‌های اعتقادی و رفتاری و عام اشاره می‌کند.

او در شرح هدف‌های اعتقادی می‌گوید: هدف‌های اعتقادی، دو دسته از مثال‌های قرآن را شامل است: (۱) مثال‌هایی که هدف از آنها، اقامه برهان بر وجوب توحید و نفی شرک است که از دو روش برای بیان آن استفاده می‌شود: اول تشبیه اله مشرکان به چیزی که مبین ناتوانی و بطلان الوهیت آن اله باشد، مانند تشبیه اله مشرکان به خانه عنکبوت؛ دوم روش حق تشبیه و مقایسه برای نفی برابری میان نقیضین، مانند مقایسه برده‌ای که نه مال دارد و نه حق تصرف در مال، و آزادی که ثروتمند است و در مالش هر تصرفی می‌تواند بکند، و یا تشبیه خدای مشرکان به برده و خدای مؤمنان به آزاد. نگارنده در ادامه به مثالی دیگر استشهد می‌کند (آیه ۷۱ سوره نحل) و به تحلیل تربیتی مراحل سه‌گانه مقدمه و بیان، مقایسه و تطبیق، هدف و محتوای آن می‌پردازد.

(۲) مثال‌هایی که هدف از آنها ایجاد و پرورش ایمان به روز جزاست: نگارنده برای اعمال این هدف نیز دو روش یاد می‌کند، در روش اول، تکیه بر تشبیه رستاخیز به آفرینش دنیایی و برابری آن دو است تا ثابت شود، خداوندی که می‌آفریند، می‌تواند دوباره زنده کند. نگارنده در تحلیل تربیتی این مثال، از مراحل سه‌گانه مقدمه و بیان، تطبیق، هدف و محتوای یاد می‌کند. روش دوم، استفاده از ضرب‌المثلی است که به داستان و یا حادثه‌ای واقعی مستند باشد، مانند آیه ۲۵۹ سوره مبارکه بقره که در آن تلاش می‌شود از راه مشاهده آیات و نشانه‌های قدرت خداوند (مثل زنده شدن چهارپایی که پوسیده است)، شک افراد نسبت به رستاخیز از میان برود.

نحلاوی برای بازشکافت هدف‌های رفتاری - عبادی، نخست به مهم‌ترین معیارها و مبانی هدف‌های رفتاری مثال‌های قرآنی می‌پردازد؛ سپس، به نمونه‌ای از مثال‌های قرآنی برای رسوخ و استواری برخی از این معیارها

اشاره می‌کند و با تحلیل تربیتی مراحل سه‌گانه مقدمه و بیان، مقایسه و تطبیق، هدف و محتوای به مهم‌ترین هدف‌های رفتاری مثال‌های قرآنی می‌رسد و در شرح آن به نکات زیر می‌پردازد: هدف‌های مربوط به رفتار عقلانی و به کار بردن گوش و چشم و عقل برای رسیدن به حق، آنچه مربوط به رفتار اخلاقی است، هدف‌های رفتاری شکر نعمت و پرهیز از کفران، تربیت اخلاص در عمل، تربیت روحیه عمکل به علم، تربیت ویژگی بذل مال در راه خدا و بفرجام تربیت برای التزام به آداب و اخلاق و صدقه دادن و اطعام. نگارنده برای هریک از این هدف‌های رفتاری - عبادی، مثال‌هایی می‌آورد و مراحل سه‌گانه مقدمه و بیان، مقایسه و تطبیق، هدف و محتوای را در آنها تحلیل می‌کند و با اشاراتی کوتاه به هدف‌های عام مثال‌های قرآنی، به فصل پایانی کتاب می‌رسد.

فصل چهارم به تحلیل روان‌شناختی و نیز بیان آثار تربیتی تربیت با مثال اختصاص دارد. نگارنده در این فصل، ابتدا در تحلیل مثال‌های قرآنی از گونه‌ای استدلال و محاکمه عقلی می‌گوید؛ سپس، به مهم‌ترین آثار تربیتی مثال‌های قرآنی می‌پردازد و از تفکر سالم، پرورش عواطف، تربیت رفتار یاد می‌کند و هریک را اندکی شرح می‌دهد.

۱۰. الزنتانی، عبدالحمید الصید. فلسفة التریبة الاسلامیة فی القرآن و السنة^{۱۰} الطبعة الاولى: طرابلس، الدار العربیة للکتاب، ۱۹۹۳. ۶۳۸ص.

در فصل اول این کتاب با مطالب زیر آشنا می‌شویم: معنا و مفهوم فلسفه و ریشه لغوی آن، مفهوم اسلامی فلسفه، معنای فلسفه تربیت و چند تعریف از آن، معنای فلسفه تربیتی اسلام، اهمیت تعیین فلسفه‌ای اسلامی برای تربیت، قرآن و سنت دو منبع زیرساختی فلسفه تربیتی اسلام. نگارنده هریک از این موضوعات را واکاوی کرده و به فروع آنها پرداخته است.

نویسنده در فصل دوم، به عقیده و عبادت بمثابة دو رکن روحی فلسفه تربیتی اسلام می‌پردازد و از این رهگذر از رابطه ایمان و عقیده می‌گوید، به نقش عبادت در فلسفه تربیتی اسلام اشاره می‌کند، از لزوم توجه مریبان به پرورش بعد اعتقادی و تعبدی متریبان یاد می‌کند؛ سپس، در پی یادآوری لزوم پرورش ایمان به خداوند، پاره‌ای از صفات خداوند را به کوتاهی شرح می‌دهد، از ایمان به فرشتگان و کتب آسمانی و پیامبران و جهان دیگر و قضا و قدر و لزوم اعتقاد به آنها می‌گوید، هریک را شرحی کوتاه می‌دهد و به پاره‌ای از عبادات اشاره می‌کند و عبادات را آبشخور تربیت مستمر و پیوسته می‌خواند.

فصل سوم این اثر به بررسی موضع فلسفه تربیتی اسلام نسبت به وجود اختصاص دارد و در آن پس از اشاره به اینکه موضع قرآن و سنت نسبت به وجود، مثبت و بویاست و اسلام انسان را دعوت می‌کند که وجود و هستی را وسیله‌ای برای جمع بین دنیا و آخرت برگزیند و با کشف و فهم درست جهان و قوانین حاکم بر آن، جهان را به تسخیر درآورد و از آن بهره‌برداری کند، شماری از مبانی‌ای که موضع قرآن و سنت را نسبت به وجود و جهان رقم می‌زند واکاوی می‌شود که عبارتند از: (۱) رابطه میان انسان و جهان که رابطه‌ای دوسویه و متقابل است؛ چه، انسان هم از جهان اثر می‌پذیرد و هم بر جهان اثر می‌نهد؛ (۲) انسان افضل پدیده‌هاست؛ لذا شایستگی دارد خلیفه‌الله در زمین باشد؛ (۳) جهان به صدف و تصادف آفریده نشده است، بل در نهایت اتقان و قانونمندی آفریده شده است؛ (۴) زندگی انسان در دنیا تنها با توازن متعادل میان روح و جسم کمال می‌یابد و فلسفه تربیتی اسلام بر لزوم توجه به ابعاد مادی و روحی انسان در فرآیند تربیت تأکید دارد؛ (۵) جهان تحول‌پذیر و قابل تغییر است و کل هستی از جمله انسان تابع قوانین الهی حاکم بر هستی و تحولات آن است؛ (۶) هستی پدیده و آفریده آفریدگاری بزرگ است و یکپارچه در کف قدرت اوست و عقل و علم و منطق حکم می‌کند که به وجود چنین آفریدگاری ایمان بیاوریم؛ (۷) جهان خود نشانه‌ای از وجود خداوند است.

^{۱۰} فلسفه تربیت اسلامی در قرآن و سنت.

در فصل چهارم، موضع فلسفه تربیتی اسلام نسبت به انسان مطرح می شود. تربیت بر محور انسان می گردد، انسان موضوع تربیت است و بی آن تربیت و فلسفه آن سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود؛ لذا، هر فلسفه تربیتی ای باید موضع خود را نسبت به انسان روشن کند، این است که نگارنده در این فصل پاره ای از مبانی انسان‌شناختی در فلسفه تربیتی اسلام را بشرح می آورد (انسان برترین پدیده هستی است، از میان تمام آفریدگان، خداوند تنها انسان را تکریم کرده و مقام جانشینی در زمین را به او تفویض کرده است، کیان شخصی انسان در اسلام محترم و محفوظ است و کسی حق تعرض به حیات و مال و عرض و آزادی انسان ندارد، انسان در میان دیگر حیوانات به نعمت عقل مفتخر شده است و عقل او و رشد عقلانی وی محترم و مورد توجه فلسفه تربیتی اسلام است، فلسفه تربیتی اسلام برای تأمین سعادت انسان به همه جوانب وجودی انسان توجه دارد و به توازن و تعادل میان این جنبه‌های گوناگون می خواند، از سویی فلسفه تربیتی اسلام به عوامل محیطی و وراثتی مؤثر در شخصیت انسان اهتمام دارد، از دیگر نکات مورد توجه فلسفه تربیتی اسلام در بعد انسان‌شناختی توجه به تفاوت‌های فردی است، در فلسفه تربیتی اسلام، فرآیند تربیت باید بگونه باشد که نیازها و انگیزه‌های سرشتی انسان محترم باشد و بدان‌ها پاسخ درست داده شود، انسان نوعی مستقل در میان آفریدگان است و اصالت نوع انسان مانع از بازگشت اصل آن به دیگر حیوانات می شود، انسان ویژگی‌هایی دارد که مورد توجه فلسفه تربیتی اسلام است).

نگارنده در فصل پنجم، به نگرش فلسفه تربیتی اسلام به جامعه می پردازد و از این رهگذر از اهمیت محیط اجتماعی و رشد اجتماعی و لزوم توجه تربیت به آنها یاد می کند و به جامعه در فلسفه تربیتی اسلام می پردازد و از مفهوم جامعه در قرآن می گوید و یادآور می شود که جامعه مورد نظر قرآن و سنت جامعه ای ممتاز و نمونه است؛ آنگاه، به پاره ای از ویژگی‌های جامعه قرآنی اشاره می کند (ایمان و توحید، تأکید بر اخلاق فاضله، پیروی از خدا و رسول، تکریم علم و عالمان، توجه شدید به نظام خانواده، تعاون و همکاری، پرورش روحیه تعاون و تلاش در افراد، توجه به ثروت و رشد آن، عنایت به نیروی مادی و معنوی، اهتمام به تحول و رشد و دگرگونی مثبت، رحمت و مهربانی، تأکید بر اصل امر به معروف و نهی از منکر).

موضع فلسفه تربیتی اسلام نسبت به شناخت در فصل ششم بازشکافی می شود. نگارنده در شرح این موضع ابتدا شناخت را تعریف می کند؛ آنگاه، از مهم ترین مسائل مربوط به حوزه شناخت از دیدگاه اسلام یاد می کند و در ضمن آن از اهمیت معرفت می گوید، جایگاه علم و شناخت را در اسلام یادآور می شود، به مراتب چهارگانه شناخت می پردازد، منابع شناخت (حس، عقل، حدس، الهام و وحی) را شرح می دهد، از پیوند

معرفت با دین و اخلاق و ایمان می‌گوید، به سودمندی معرفت شایسته برای فرد و جامعه اشاره می‌کند، شروط معرفت صالح و شایسته را برمی‌شمارد.

در فصل هفتم با موضع فلسفه تربیتی اسلام نسبت به اخلاق آشنا می‌شویم. نگارنده این فصل را با شرح معنای اخلاق و اشاره به چند تعریف از اخلاق می‌آغازد؛ سپس، به ارتباط اخلاق با ایمان می‌پردازد و از جایگاه اخلاق در اسلام می‌گوید و می‌افزاید: اخلاق و اهمیت آن در اسلام معطوف به فرد و جامعه است و نه فرد تنها؛ پس از این، از امکان تغییر اخلاق یاد می‌کند و اخلاق اسلامی را اخلاق برتر انسانی می‌خواند و غایت اخلاق اسلامی را سعادت در دو جهان معرفی می‌کند و پاره‌ای از عناصر زیرساختی اخلاق برگرفته از قرآن و سنت را بشرح می‌آورد (وجدان اخلاقی، التزام اخلاقی، احکام اخلاقی، پاداش نیک و بد اخلاقی، مسؤولیت اخلاقی و شروط چهارگانه آن).

در فصل هشتم به مهم‌ترین ویژگی‌ها و صفات تربیت اسلامی که موجب بازشناخت آن از دیگر نظام‌های تربیتی است اشاره می‌شود. این ویژگی‌ها چنین است: شمول و فراگیری همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، توجه متوازن به همه نیازها و انگیزه‌ها و پاسخ به آنها، تأکید بر اصل اعتدال در امور، نگرش واقع‌گرایانه به انسان و نیازهای فردی و اجتماعی او، سهولت و پرهیز از تحمیل امور بر انسان، توجه به نرم‌رفتاری و مهربانی با انسان، تأکید بر تسامح و گذشت و بردباری، تأکید بر آزادی، تحول‌پذیریم‌ثبت در ضمن حفظ اصول ثابت، تأکید بر عمل به عنوان متمم اندیشه، ماهیت مستمر و فرازمانی تربیت اسلامی دارد، تأکید بر شخصیت انسان، توجه به مسؤولیت فردی و اجتماعی.

فصل نهم. برنامه تربیتی اسلام و ویژگی‌های این برنامه: این فصل با اشاره به ویژگی اعتقادی - ایمانی برنامه تربیتی اسلام آغاز می‌شود. دومین ویژگی برنامه تربیتی اسلام اهتمام آن به عقل است، برنامه تربیتی اسلام به تلقین بسنده نمی‌کند و در پی اقناع عقلی از راه استدلال و برهان و منطقی است و در این مهم، سطح فهم و میزان درک افراد را لحاظ می‌کند. همچنین در برنامه تربیتی اسلام به ویژگی‌های روحی و عقلی و جسمی متریبان توجه می‌شود و از هرکس به قدر طاقت و توانش انتظار می‌رود و از تحمیل بر افراد پرهیز می‌شود. برنامه تربیتی اسلام، برنامه اخلاقی است و در آن از هر فرآیند آموزشی و تربیتی انتظار می‌رود در نهایت به بهبود وضع اخلاقی متریبی بیانجامد. این برنامه تربیتی در پی تحکیم و تثبیت فضائل اخلاقی و ارزش‌های والا در متریبان است. برنامه تربیتی اسلام وجه اجتماعی دارد و در اندیشه رشد اجتماعی افراد است و به روش‌های گوناگون، افراد را به مشارکت اجتماعی می‌خواند و به حفظ حرمت حقوق و آبرو و اموال و ناموس دیگران دستور می‌دهد. برنامه تربیتی اسلام در پی جمع بین دنیا و آخرت است و تعارضی میان دنیا و آخرت

نمی‌بیند. از دیگر ویژگی‌های برنامه تربیتی اسلام، وجه عملی آن است. در برنامه تربیتی اسلام به امور نظری بسنده نمی‌شود و همواره از لزوم عمل به دانسته‌ها یاد می‌شود. برنامه تربیتی اسلام به لزوم جمع بین دین و دانش هم تأکید می‌کند و آموزش علوم غیردینی را لازم می‌داند.

اهداف فلسفه تربیتی اسلام در فصل دهم بررسی می‌شود. نگارنده در شرح این هدف‌ها، ابتدا به شرح هدف‌های تربیتی زیر می‌پردازد: پرورش انسان مؤمن به دین و متعهد به آداب شرع و قادر به مهار امیال و شهوت‌ها و دارای رفتار متوازن، پرورش فرد عالم و مسلح به دانش و پرکار و تولیدکننده و قادر به کسب روزی حلال و فردی که کوشا باشد و قدر وقت را بداند و اوقات فراغت را به بهبودی سپری نکند، و نیز تربیت انسان پراحساس و فهیم و نرم‌خو و صاحب ارزش‌های اخلاقی والا و امیدوار و گریزان از اوهام و خیالات، و نیز فردی نیرومند و سالم و وظیفه‌شناس نسبت به خود و دیگران.

هدف‌های اجتماعی فلسفه تربیتی اسلام عبارتند از: ایجاد جامعه‌ای سالم و پاک، جامعه‌ای که برخوردار از وحدت و مهربانی و انسجام و امنیت و صلح باشد و از نیروی مادی و معنوی به اندازه بهره‌مند باشد و در زمینه‌های علمی و فرهنگی و اقتصادی و هنری پویا باشد و در خدمت به بشر بکوشد و تعلیم و تربیتی رو به بهبودی داشته باشد.

منبع: برگرفته از کتاب «کتابشناسی توصیفی - تحلیلی تعلیم و تربیت در اسلام» اثر بهروز رفیعی